



رابطه اعتیاد به فضای مجازی با قلدری سایبری و بی موبایل هراسی در دانشجویان

امیرحسین شیرافکن *

اکبر نصرالهی **

رمضان حسن زاده ***

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین اعتیاد به فضای مجازی با قلدری سایبری و بی موبایل هراسی در دانشجویان انجام شد. روش تحقیق، توصیفی از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری، دانشجویان علوم پزشکی دانشگاه های آزاد اسلامی استان مازندران در سال ۱۳۹۸ بود که تعداد ۳۴۰ نفر نمونه با استفاده از جدول کرجسی-مورگان به شیوه نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شدند. داده ها با استفاده از پرسشنامه های اعتیاد به شبکه های اجتماعی مبتنی بر موبایل خواجه احمدی و همکاران (۱۳۹۵)، قلدری سایبری مینه سینی و همکاران (۲۰۱۱) و نوموفوبیا بیلدریم و کوریا (۲۰۱۵) جمع آوری و از طریق آمار توصیفی و استنباطی (آزمون های همبستگی پیرسون و اسپیرمن) تجزیه و تحلیل شد. یافته ها نشان داد که بین اعتیاد به فضای مجازی با قلدری سایبری به میزان ۰/۳۷ رابطه ی متوسط مثبت وجود دارد. هم چنین اعتیاد به فضای مجازی به میزان تقریباً قوی ۰/۵۲ با بی موبایل هراسی در ارتباط بوده است ($P=0/05$). نتیجه آن که آموزش ارتقاء سطح سواد رسانه ای جامعه به ویژه نسل جوان کشورمان، فرهنگ انتخاب و استفاده درست از رسانه های نوین به آنان در قالب کارگاه های آموزشی پیشنهاد می گردد.

واژگان کلیدی

اعتیاد به فضای مجازی، قلدری سایبری، بی موبایل هراسی

* دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران akbar2536@gmail.com
** استادیار گروه علوم ارتباطات، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران akbar.nasrollahi@gmail.com
*** استاد گروه روانشناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران r.hassanzadeh@yahoo.com

نویسنده مسؤول یا طرف مکاتبه: اکبر نصرالهی

مقدمه

مک لوهان (McLuhan, 1968) اعتقاد خود در مورد تکنولوژی را چنین مطرح کرده است: «اگر چه تکنولوژی زائیده‌ی ذهن انسان است؛ اما انسان هر عصری خود زائیده‌ی تکنولوژی زمان خودش است و این یعنی هر تکنولوژی، بشر را کم کم در فضایی جدید قرار می‌دهد که عاملی تعیین کننده در سرنوشت و زندگی اوست. همگام با توسعه علم و فن‌آوری و در اثر نوآوری‌ها و تکنیک‌های نوین، محصولات و کالاهایی وارد زندگی بشر شده‌اند که کارکردی دوگانه در حیات فردی و اجتماعی انسان داشته‌اند. این از ویژگی‌های جهان مدرن است که محصولاتی به بازار می‌آورد که هرچند هدف آن آرامش انسان و کاهش رنج و مرارت‌های روحی و جسمی او است؛ اما در عمل، مشکلات نوین برای وی به بار می‌آورد. یکی از شاخص‌ترین و پرکاربردترین این محصولات، تلفن همراه است که برخی آن را یکی از نمادهای خروج بشر از عصر مدرن و ورود به عصر اطلاعات و یا دوران تاریخ فرا مدرن می‌دانند (Castells, 1997). تلفن همراه نه فقط در حوزه‌ی ارتباطات بلکه در صحنه زندگی عمومی-اجتماعی نقش مهمی را ایفا می‌کنند؛ زیرا بخش عمده‌ای از نقش‌های اجتماعی توسط آن‌ها مطرح می‌شود و از آن جایی که تسهیلات وسیعی را برای کاربران فراهم می‌آورد، تبدیل به وسیله‌ای مهم در زندگی روزمره افراد شده است (Abedini & Zamani, 2013). در دومین دهه‌ی قرن بیست و یکم جایگاه این ابزارها و محصولات جدید به گونه‌ای رشد یافته است که دیگر زندگی بدون آنها قابل تصور نیست. برای بسیاری از انسان‌های این عصر زندگی بدون تلفن همراه قابل تصور نیست؛ زیرا نه تنها کارکردهای یک تلفن عادی را دارد بلکه برای امور دیگری مانند محاسبه، عکاسی، فیلمبرداری، اتصال به شبکه‌های اجتماعی و اینترنت، استفاده از پست الکترونیکی و حتی بازی‌های جدید مورد استفاده قرار می‌گیرد. به علاوه حتی برخی کارهای روزمره مثل ساعت، برنامه ریزی روزانه، یادآوری‌ها، هشدار، امکان استفاده از مکان یاب و هم‌چنین گوش دادن به موسیقی و رادیو و یا مشاهده تلویزیون و حتی ماهواره، محاسبه نرخ ارز و سهام بورس و ارزیابی هوشمند محیط اطراف به وسیله تلفن همراه انجام می‌شود. به بیان برخی از محققین، این وسیله به ظاهر ساده دربرگیرنده‌ی پیامدهای متنوعی برای کاربران است؛ زیرا علاوه بر ایجاد ارتباط با دیگران، می‌تواند نیازهای گوناگون دیگری را نیز برآورده کند. به همین دلیل استفاده از این ابزار فن‌آورانه با سرعت شگفت‌انگیزی در حال رشد است و می‌توان از آن به عنوان یک پدیده اجتماعی با اثرات

روانشناختی نام برد (Azadmanesh et al., 2017). این ابزار ارتباطی که نقش یک وسیله چند رسانه ای را ایفا می کند، با ورود نسل جدید تلفن های همراه و اتصال آن به اینترنت و جذابیت های ظاهری و تنوع خدماتی، خیلی زود با اقبال مردمی مواجه شد؛ به نحوی که تا پایان سال ۱۳۹۵ تعداد سیم کارت های فعال در کشور از ۱۰۳ میلیون عدد عبور کرده و ۵۰ درصد گوشی های موبایل در دست کاربران از نوع هوشمند گردید (Ghasemi & Hassanzadeh, 2019). نگرانی پژوهش گران و سیاست گذاران کشور با استفاده فراگیر از نسل سوم و چهارم سیم کارت های تلفن همراه (G۳ و G۴) برانگیخته و بیشتر شد؛ به طوری که از تولد نسل سوم اینترنت همراه در ایران با هجوم تبلیغاتی فراوان از حوزه های مختلف روبرو شد. هم زمان محصولات جدیدی که بر بستر فضای مجازی متولد شدند، توانستند قدرت خود را در جامعه نشان دهند (رسانه های اجتماعی موبایل محور) (Delavar & Askari, 2017). در همین راستا نظریه کاستلز (۱۹۹۷) بر این اعتقاد است که رسانه های نوین، ارتباطی مقوم هژمونی قدرت های اقتصادی جهان هستند؛ چرا که گشایش و ایجاد بازارهای جدید در عرصه جهانی نیازمند تجهیز شرکت ها به ظرفیت های بسیار مدرن ارتباطاتی و نیز وسعت مالی است. لذا تعامل دو مقوله آزادسازی بازار و پیدایی فن آوری های جدید ارتباطی، عامل ایجاد فضاهای مجازی می شوند. او در این رابطه اشاره دارد: «یکپارچگی جهانی بازارهای مالی که به واسطه فن آوری های جدید اطلاعاتی امکان پذیر شده بود، تأثیر بسزایی بر جدایی فزاینده جریان سرمایه از اقتصاد ملی گذاشت و باعث سرمایه گذاری های عظیم فن آوری ها در زیرساخت ارتباطاتی-اطلاعاتی شد» (Castells, 1997). بر این اساس همه گیری و فراگیر شدن استفاده از تلفن همراه و نیز فضای مجازی مبتنی بر یک پایگاه نظری است که می توان آن را در نظریه استفاده و رضامندی کاتز جستجو نمود. کاتز ضمن فعال دانستن مخاطب در انتخاب رسانه، بر نیازها و انگیزه های وی در استفاده از رسانه ها تأکید می کند. به اعتقاد او مخاطب، مانند توده ای گل، گیرنده ای منفعل نیست که مبلغ ماهر بتواند او را به هر شکلی در آورد؛ بلکه مخاطبان افرادی هستند که از ارتباطاتی که برای شان میسر شده، چیزی را طلب و انتخاب می کنند که احتمال دارد برایشان مفید باشد. (Mehdizadeh, 2015). طبق این نظریه، انگیزه از نیاز نشات می گیرد؛ لذا هر قدر کاربران بیشتر حس کنند که ارتباط (مجازی)، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، موجب رفع نیاز می شود، تمایل بیش تری به استفاده از آن خواهند داشت. این

اشتیاق و دل‌بستگی قطعاً در زندگی او اثرات خود را خواهد گذارد و بارضایت مندی یا عدم رضایت مندی از حضور در آن ارتباط، اثرات مثبت یا منفی آن را نیز تجربه خواهد نمود.

از سویی باید اعتراف کنیم که تلفن همراه به مثابه‌ی شمشیری دو لبه است، به گونه‌ای که علی‌رغم پیامدهای مناسب و مفید آن، واجد پیامدهای نامناسب و مضر برای کاربران است. به شکلی که گاهی استفاده‌های غیرمعمول و یا افراطی از آن می‌تواند باعث شکل‌گیری انواع وابستگی‌های روانی و جسمی در افراد نسبت به این وسیله شود. وابستگی‌هایی که منجر به اعتیاد به این وسیله و در نتیجه تغییرات رفتاری زیاد در آن‌ها شود (Azadmanesh et al., 2017). در پژوهشی که توسط اتحادیه بین‌المللی ارتباط از دور انجام شد، مشخص گردید ۹۰ درصد از افراد در کشورهای توسعه یافته و ۳۲ درصد از افراد در کشورهای در حال توسعه دارای تلفن همراه بوده‌اند و دانشجویان به طور معمول از این وسیله بیش از ۴۰ ساعت در هفته استفاده می‌کردند. عمده این ارتباطات از طریق مکالمه‌های صوتی و ارسال پیام‌های کوتاه انجام می‌شد (Abedini & Zamani, 2013). بنابراین استفاده غیر ایمن و نامعمول از تلفن همراه می‌تواند، تبعات منفی و مخربی بر کاربران داشته باشد. وقتی افراد دچار وابستگی زیاد به این وسیله می‌شوند؛ احتمال بروز پدیده‌ی بی‌موبایل‌هراسی در آنها افزایش می‌یابد. بی‌موبایل‌هراسی یکی از انواع ترس‌هاست که به دلیل خارج از دسترس بودن نسبت به تماس‌های تلفنی در افراد ایجاد می‌شود (Azadmanesh et al., 2017). با نگاه اجمالی به ادبیات پژوهشی مرتبط با متغیر نوموفوبیا یا بی‌موبایل‌هراسی به نظریه و مدل اجتناب‌شناختی می‌رسیم که توضیح می‌دهد؛ چرا کاربر دارای تلفن همراه دچار چنین نگرانی می‌شود و فکر در اختیار نداشتن تلفن برای او کابوسی غیر قابل تحمل می‌شود؟ در پاسخ به این سؤال، علت ایجاد نگرانی را چنین بیان کرده‌اند: «زنجیره‌ای از افکار و تصاویر منفی نسبتاً کنترل‌ناشدنی که بر تلاش برای مشکل‌گشایی روانی در مورد موضوعات واقعی یا خیالی دلالت دارد. گرچه پیامدهای آن نامعلوم است؛ اما غالباً این پیامدها منفی هستند». بنابراین نگرانی رابطه‌ی نزدیکی با فرآیند ترس دارد. در این مدل، اعتقاد بر این است که اجتناب‌شناختی به واسطه‌ی فرآیند نگرانی اتفاق می‌افتد، زیرا نگرانی به عنوان یک فعالیت فکری یا کلامی بر تلاش به منظور اجتناب از وقوع فجایع آینده متمرکز است و در نتیجه به عنوان راهبردی اجتنابی در پاسخ به تهدیدهای ادراک شده عمل می‌کند. هم‌چنین نگرانی را می‌توان به عنوان تلاش شناختی غیر مؤثر برای حل مسأله و بدین ترتیب حذف تهدیدهای ادراک شده در

نظر گرفت، این در حالی است که هم‌زمان از تجربه‌های بدنی و هیجانی نامطلوب که به طور طبیعی طی فرآیند مواجهه با ترس اتفاق می‌افتند، اجتناب می‌شود. (Kodayarifard et al., 2017). در کنار پدیده‌های فضای مجازی و بی‌موبایل‌هراسی، به متغیر قلدری سایبری می‌رسیم که ارتباطی تنگاتنگ با دو متغیر فوق دارد که به دلیل حضور پر رونق کاربران در فضای بی‌متهای مجازی امکان بروز و ظهور می‌یابد. اگر بخواهیم برای قلدری سایبری پشتوانه‌ی نظری بیابیم؛ می‌توانیم از تئوری پیوند اجتماعی (کنترل) هیرشی (۱۹۶۹) کمک بگیریم. هیرشی در این نظریه که با نام نظریه کنترل از آن یاد می‌شود؛ کجروی را معلول ضعف همبستگی در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه می‌داند و معتقد است: در چنین جامعه‌ای، فرد برای ارتکاب رفتارهای مجرمانه و یا بزه‌کارانه آزاد است؛ زیرا وی با نظم متعارفی که شکسته شده، مواجه می‌باشد. در این جامعه حرکت به سمت جرم دائماً در افراد وجود دارد، نه فقط افرادی که مرتکب جرم می‌شوند، بلکه در اغلب افراد گرایش به جرم ذاتاً وجود دارد. او استدلال کرد که نظریه‌ی پیوند به جای پاسخ به سؤال «چرا ما آن عمل را انجام می‌دهیم»؛ به این سؤال که «چرا ما آن عمل را انجام نمی‌دهیم» پاسخ می‌دهد و می‌گوید جامعه یا گروهی که در میان اعضای آن وابستگی‌های متقابل و قوی، وجود داشته باشد، بیش از جامعه یا گروهی که اعضای آن بستگی محکمی با هم نداشته باشند، قادر به اعمال کنترل بر اعضای خود خواهد بود. (Hemmatpour et al., 2017).

پس باید بیندیشیم که عاقبت حضور بی‌انتهای تلفن‌های همراه و فضای مجازی در زندگی ما و متقابلاً حضور بی‌وقفه‌ی ما در چنبره‌ی اسباب‌های مخلوق خودمان، چه خواهد شد. بی‌تردید هر چه کامیابی‌های ناشی از حضور در این فضا و شبکه‌ها نزد کاربران بیشتر باشد، مدت ماندگاری و اثرپذیری در آن هم بیشتر خواهد شد. همین جاست که دو متغیر قلدری سایبری و بی‌موبایل‌هراسی جایگاه مهم خود را نشان می‌دهند؛ چرا که استفاده نابهنجار از گوشی‌های هوشمند مبتنی بر اینترنت، عواقب نامطلوبی هم در ارتباط با سختی جدا شدن از تلفن همراه برجای خواهد گذارد (بی‌موبایل‌هراسی) و هم بی‌پاسبانی در این فضای بی‌مکان و بی‌زمان و به دنبالش حلاوت‌آکتابی از دگرآزاری (قلدری سایبری) او را به ورطه قلدری و یا زورگیری مجازی سوق می‌دهد. لذا پژوهشگر با توجه به اهمیت بالایی این موضوع به خصوص نزد دانشجویان و دست‌اندرکاران عرصه‌های مختلف در آینده کشور و مصون‌سازی آنان در مقابل خطرات پیش

رو، اقدام به پژوهشی برای پاسخ به این سؤال نموده است که آیا رابطه‌ای بین اعتیاد به فضای مجازی با بی‌موبایل‌هراسی و قلدری سایبری وجود دارد؟ بر این اساس در این پژوهش با دو فرضیه روبرو هستیم:

۱. فرضیه اول: بین اعتیاد به فضای مجازی و قلدری سایبری (زورگیری مجازی) رابطه وجود دارد.

۲. فرضیه دوم: بین اعتیاد به فضای مجازی و بی‌موبایل‌هراسی (نوموفوبیا) رابطه وجود دارد.

پیشینه پژوهش:

در این تحقیق به مطالعاتی که رویکردهای مشابه با موضوع مورد مطالعه داشتند، اشاره شده است، گرچه تحقیقات مورد مطالعه غالباً منشاء خارجی داشتند و در مطالعات داخلی موارد زیادی یافت نشده است.

پاتچین (Patchin, 2019) در تحقیقی با عنوان «فعالیت‌های جنسی مبتنی بر قلدری سایبری جوانان در ایالات متحده: متنی جدید در مجله بایگانی رفتارهای جنسی» در جامعه ۵۰۰۰ نفری دانش‌آموزان آمریکایی به این نتیجه‌گیری می‌رسد که ۱۷/۴ درصد آزمودنی‌ها در سال ۲۰۱۹ هدف حمله یا قلدری سایبری واقع شدند؛ ضمن آن که ۱۳ درصد نمونه‌های مورد تحقیق قلدر و ۱۸/۵ درصد قربانی سایبری بوده‌اند.

شارما (Sharma, 2019) در تحقیقی با عنوان «اثرات منفی اعتیاد به اینترنت در کودکان» ضمن اشاره به تلاش برای فرار از تنهایی و افسردگی، اضطراب اجتماعی و تمایل شدید به جستجوی دانش، به عنوان عوامل اعتیاد به اینترنت در کودکان، به این نتایج دست یافته است که کودکان معتاد به اینترنت و شبکه‌های مجازی دچار اضطراب، غم و افسردگی، بی‌برنامگی، کمبود خواب، انزوای اجتماعی، نانجیبی و دروغ‌گویی و تغییرات خلقی شده‌اند.

دلاورو همکاران (Delavar et al., 2017) در تحقیقی توصیفی-همبستگی با عنوان بررسی رابطه میان الگوی مصرف موبایل و احساس بی‌موبایل‌هراسی در میان کاربران تلفن همراه بر روی ۲۵۰ شهروند کلان‌شهر تهران» به این نتیجه رسیدند که پرکاربردترین قابلیت‌های تلفن همراه استفاده از شبکه‌های اجتماعی بوده است. هم‌چنین بی‌موبایل‌هراسی به صورت معناداری رفتار استفاده از تلفن همراه را پیش‌بینی می‌کند به این صورت که با افزایش میزان اضطراب افراد از در دسترس نبودن تلفن همراه، میزان استفاده از آن افزایش می‌یابد.

گزگین و همکاران (Gezgin et al., 2017) در یک مطالعه توصیفی دیگر با عنوان «رابطه بین نوموفوبیا و تنهایی در نوجوانان ترکیه» و با شرکت ۳۰۱ داوطلب نتایجی به این شرح حاصل نمودند: موقعی که جوانان به اطلاعات قابل توجهی دسترسی نداشتند و یا امکان برقراری ارتباط برای آن‌ها میسر نبود، میانگین تنهایی بالایی را نشان دادند. این میانگین البته در بعد رفع خستگی، سطح پایینی داشت. یافته‌های کلی همین تحقیق این اهمیت را باز می‌دارد و تحقیقات مشابه دیگر نیز آن را به اثبات می‌رساند که نسل جوان در میان گروه‌های مختلف در معرض خطر بیشتری نسبت به بزرگسالان در اثر پذیری از نوموفوبیا قرار دارند.

دیومیدوس و همکاران (Diomidis et al., 2016) در مقاله‌ای با عنوان «اثرات اجتماعی و روانی استفاده از اینترنت و شبکه‌های مجازی» به این نتایج دست یافتند که اعتیاد به اینترنت عوارضی چون قمارهای آنلاین، سوءاستفاده، تقلب و قلدری سایبری، سرقت‌های مالی به دلیل دست یافتن به اطلاعات شخصی کاربران، تسهیل در زندگی و رفاه انسان‌ها در همه زمینه‌ها، تاثیر بر ویژگی‌های شخصیتی اجتماعی و خانوادگی، اختلالات روان‌پزشکی در میزان استفاده بالا از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و کاهش سلامت روانی، ضعف روابط با خانواده و دوستان و نیز کم توجهی به زندگی روزمره و مسئولیت‌های داخلی و اجتماعی برای کاربرانی که بیش از اندازه با اینترنت و شبکه‌های اجتماعی سروکار دارند را در پی خواهد داشت.

روش

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی است. برای اجرا، محقق پس از اخذ مجوز کتبی و تأییدیه از دانشگاه محل تحصیل (تهران شمال)، جهت انجام امور پژوهشی به دانشکده‌های علوم پزشکی دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان مازندران (واحد‌های بابل، ساری، چالوس و تنکابن) مراجعه نموده است. سپس با رعایت اصول اخلاق در پژوهش (شامل محفوظ بودن نام آزمودنی‌ها، محرمانه بودن اطلاعات، رضایت جهت شرکت در تحقیق) و ارائه توضیحات لازم جهت نحوه تکمیل، پرسش‌نامه‌ها را بین آزمودنی‌ها توزیع نمود. این پژوهش دارای کد اخلاق به شماره IR.IAU.SARI.REC1398-097 می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی استان مازندران در چهار واحد دانشگاهی با درجات دانشگاهی جامع و بسیار بزرگ در رشته‌های پزشکی، پرستاری، مامایی، علوم آزمایشگاهی

و بهداشت در نیم سال دوم تحصیلی ۹۸-۹۷ مشتمل بر ۲۷۲۶ نفر بوده است. با در نظر گرفتن معیارهای ورود به پژوهش آزمودنی ها (دارای تلفن همراه هوشمند باشند و در مرحله بالینی (حضور در بیمارستان ها و مراکز درمانی) دوره آموزشی خود نباشند) یعنی دانشجویان پزشکی تا ترم پن و دانشجویان کارشناسی تا ترم شش) تعداد ۳۴۰ نفر بر اساس «جدول کرجسی و مورگان» و به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای، انتخاب شدند (جدول ۱). برای دقت در امر سنجش و با هدف در اختیار داشتن نمونه های کامل، تعداد ۳۷۰ پرسش نامه توزیع شد که به هنگام جمع داده ها، موارد بی پاسخ و خدشه دار حذف شدند.

جدول ۱. حجم جامعه و نمونه آماری

رشته	ساری	تنکابن	چالوس	بابل	جمع کل
	جامعه	نمونه	جامعه	نمونه	جامعه
پزشکی	۴۲۸	۵۴	۳۵۵	۴۴	۹۸
پرستاری	۲۹۱	۴۲	۱۶۶	۲۲	۱۰۹
مامایی	۱۵۰	۱۹	۱۲۱	۱۵	۷۰
علوم	۱۴	۱۳	۶۶	۸	۴۸
آزمایشگاهی					
بهداشت عمومی	۹۲	۱۵	-	-	۱۵
جمع کل	۱۳۳	۸۹	۵۶	۶۲	۳۴۰

ابزار گردآوری داده هادر این پژوهش، مشتمل بر پرسش نامه های اعتیاد به شبکه های اجتماعی مجازی مبتنی بر موبایل، قلدردی سایبری و نوموفوبیا بوده است.

۱- پرسش نامه ۲۳ سؤالی اعتیاد به شبکه های اجتماعی مجازی مبتنی بر موبایل که توسط خواجه احمدی و همکاران (۱۳۹۵) طراحی و اجرا گردید، دارای چهار خرده مقیاس عملکرد فردی (با نه عبارت در گویه های ۲۰-۱۹-۱۸-۱۶-۱۵-۱۱-۸-۵-۲)، مدیریت زمان (با شش عبارت در گویه های ۱۲-۱۰-۷-۶-۴-۳)، خودکنترلی (با چهار عبارت در گویه های ۱۷-۱۴-۱۳-۱۰) و روابط اجتماعی (با چهار عبارت در گویه های ۲۳-۲۲-۲۱-۹) است و در طیف لیکرت پنج گزینه ای

شامل مخالفم (نمره ۱)، تا اندازه ای مخالفم (نمره ۲)، بی نظرم (نمره ۳)، تا اندازه ای موافقم (نمره ۴) و کاملاً موافقم (نمره ۵) تنظیم شده است. حداقل نمره پرسشنامه ۲۳ و حداکثر نمره ۱۱۵ است و سطح اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی در چهار سطح مشتمل بر کاربر پایین تر از حد معمول (نمره ۲۳-۴۶)، کاربر معمولی (نمره ۴۶-۶۹)، کاربر در شرف اعتیاد (۹۲-۶۹) و کاربر معتاد (نمره ۱۱۵-۹۲) توصیف گردید. خواجه احمدی و همکاران (۱۳۹۵) جهت تأیید روایی محتوای سؤالات از سه روش روایی صوری، روایی محتوا و روایی سازه استفاده کردند و در نهایت پس از انجام تحلیل عاملی، همسانی درونی کل پرسش‌نامه مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه آن که ضریب آلفای کرونباخ در نمونه ۲۶۰ نفری دانشجویان علوم پزشکی بوشهر برای کل پرسش‌نامه (۰/۹۲۷) و هم چنین به تفکیک برای هر کدام از عامل‌های پرسش‌نامه با حداقل ۰/۶۸۱ و حداکثر ۰/۹۰۷ محاسبه گردید. در تحقیق حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس عملکرد فردی، ۰/۹۰۷؛ خرده مقیاس مدیریت زمان، ۰/۸۱۶؛ خرده مقیاس خودکنترلی، ۰/۷۲۴؛ خرده مقیاس روابط اجتماعی، ۰/۶۸۱ برآورد گردید.

۲- پرسش‌نامه دو بخشی قلدری سایبری مینه سینی و همکاران (۲۰۱۱) شامل ۲۰ سؤال در طیف لیکرت پنج گزینه ای هرگز (نمره ۱)، یکی دوبار در ماه (نمره ۲)، دو تا سه بار در ماه (نمره ۳)، هفته ای یک بار (نمره ۴) و چندین بار در هفته (نمره ۵) است. سؤالات ۱-۱۰ که مربوط به قربانی قلدری سایبری است در چهار سطح به صورت قربانی قلدری خفیف (نمره ۲۰-۱۰)، قربانی قلدری متوسط (نمره ۳۰-۲۰)، قربانی قلدری زیاد (نمره ۴۰-۳۰) و قربانی قلدری بسیار زیاد (نمره ۵۰-۴۰) توصیف شد. سؤالات ۱۱-۲۰ که مربوط به عامل قلدری سایبری می باشد، در چهار سطح به صورت عامل قلدری خفیف (نمره ۲۰-۱۰)، عامل قلدری متوسط (نمره ۳۰-۲۰)، عامل قلدری زیاد (نمره ۴۰-۳۰) و عامل قلدری بسیار زیاد (نمره ۵۰-۴۰) توصیف شد. نمره کلی قلدری سایبری با حداقل نمره ۱ و حداکثر نمره ۱۰۰ در نظر گرفته شد که به صورت قلدری سایبری خفیف (نمره ۱-۲۵)، قلدری سایبری متوسط (نمره ۲۶-۵۰)، قلدری سایبری زیاد (نمره ۵۱-۷۵) و قلدری سایبری بسیار زیاد (نمره ۷۶-۱۰۰) سطح بندی گردید. این پرسش‌نامه توسط گلپور در سال ۱۳۹۵، ترجمه و اعتبار یابی شده است و پایایی آن برای عامل قلدری سایبری ۰/۸۴ و برای عامل قربانی قلدری ۰/۸۱ مورد تأیید قرار گرفت. پایایی پرسش‌نامه فوق در این تحقیق با ضریب آلفای

کرونباخ ۰/۸۱ برای عامل قلدری سایبری و ۰/۷۸ برای قربانی قلدری سایبری مورد تأیید قرار گرفت.

۳- پرسش نامه ۲۰ سؤالی NMP-Q (نوموفوبیا) در چهار خرده مقیاس عدم توانایی برقراری ارتباط، از دست دادن ارتباط، عدم دسترسی به اطلاعات و از دست دادن راحتی و آسایش، برای اولین بار در سال ۲۰۱۵ توسط ییلدریم و کوریا در دانشگاه میلدوسترن آمریکا به منظور سنجش بی موبایل هراسی طراحی گردید؛ این پرسش نامه بیست سوآلی دارای چهار خرده مقیاس در طیف لیکرت ۷ درجه ای کاملاً مخالف (نمره ۱) تا بسیار موافق (۷) در موارد شدید، درجه بندی شد. ییلدریم و کوریا (۲۰۱۵) ضریب آلفای کرونباخ را برای کل مقیاس و خرده مقیاسهای ذکر شده فوق به ترتیب ۰/۹۴۵، ۰/۹۳۹، ۰/۸۷۴، ۰/۸۲۷ و ۰/۸۱۴ عنوان کردند که در سطح معناداری ($P < 0/001$)، نشان دهنده ثبات درونی خوب و رضایت بخش بود. (Sayyha, et al, 2018). جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آماره‌های توصیفی (فراوانی، درصد فراوانی و میانگین) و آزمون‌های ضریب همبستگی اسپیرمن و پیرسون در محیط نرم افزار SPSS 23 استفاده شد.

یافته‌ها

شاخص‌های توصیفی متغیرهای جمعیت شناختی پژوهش (فراوانی و درصد فراوانی) در جدول ۲ مشخص شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۲. توزیع فراوانی و درصدی آزمودنی‌ها بر اساس مشخصات جمعیت شناختی

ویژگی		شاخص آماری		ویژگی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
کمتر از ۲۰	۱۲/۹۴۴	مدت زمان	یک ۲۲۷/۸۶۶	سن (به سال)
۲۰-۲۴	۷۸/۵۲۶۷	استفاده از تلفن همراه	دو ۱۵۵۱	
۳۰-۳۵	۶/۸۲۳	همراه (به ساعت)	سه ۲/۲۲۱	
بالاتر از ۳۰	۱/۵۵۳		چهار و بیشتر ۱۲/۱۴۱	
زن	۷۲/۹۲۴۸	میانگین هزینه ماهانه اینترنت (تومان)	تا ۵۰ هزار ۷۶/۸۲۶۱	جنسیت
مرد	۲۷/۱۹۲		تا ۱۰۰ هزار ۱۸/۵۶۳	
مجرد	۷۸/۱۲۹۶		تا ۲۰۰ هزار ۲/۶۹	وضعیت تاهل
متاهل	۱۲/۱۴۱		بیش از ۲۰۰ ۱/۸۶	
سایر ۰/۶۲		مدت زمان حضور روزانه در فضای مجازی (ساعت)	کمتر از یک ۱۱/۵۳۹	مقطع تحصیلی
کارشناسی	۷۱/۲۲۴۲		۳-۱۵۲ ۴۴/۷	
پزشکی	۲۸/۸۹۸		۳-۵ ۲۷/۴۹۳	
			۷-۵۶ ۱۶/۵۵۶	
اطلاع از وقایع	۳۶/۲۱۲۳			عوامل حضور در فضای مجازی
با دوستان بودن	۴۰/۶۱۳۸			
فرار از ناملایمات	۹/۱۳۱			
استفاده آموزشی	۱۳/۸۴۷			

قبل از پرداختن به آزمون‌های آماری مربوطه، لزوم شناخت نرمال بودن توزیع متغیرهای تحقیق مورد تأکید می‌باشد که برای سنجش آن از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد. (جدول ۳)

جدول ۳. آزمون K-S جهت بررسی نرمال بودن متغیر پژوهش

شاخص آماری - Kolmogorov-Smirnov				متغیر
نتیجه آزمون	Sig	df	Statistic	
غیر نرمال	۰/۰۳۸	۲۹۹	۰/۰۵۴	اعتیاد به فضای مجازی
غیر نرمال	۰/۰۰	۲۹۹	۰/۱۹۱	قلدری سایبری (زورگیری)
نرمال	۰/۲۰۰	۲۹۹	۰/۰۴۶	بی موبایل هراسی (نوموفوبیا)

سطح معناداری آزمون نرمالیتی کولموگروف اسمیرنوف نشانگر نرمال بودن متغیر بی موبایل هراسی بوده و دو متغیر دیگر تحقیق؛ یعنی اعتیاد به فضای مجازی و قلدری سایبری با توجه به سطح معناداری آزمون نرمالیتی ($Sig < 0/05$)، از توزیع نرمال برخوردار نمی باشد.

فرضیه اول: بین اعتیاد به فضای مجازی و قلدری سایبری (زورگیری مجازی) رابطه وجود دارد. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به فرضیه شماره ۱ پژوهش حاضر در جدول ۴ نشان می دهد بین اعتیاد به فضای مجازی با قلدری سایبری به میزان ۰/۳۷ رابطه متوسط و مثبت وجود دارد. شدت و جهت رابطه نشان می دهد هرچه میزان اعتیاد به فضای مجازی افزایش یابد، بر میزان قلدری سایبری نیز افزوده خواهد شد. از میان مؤلفه‌های اعتیاد به فضای مجازی، «عملکرد فردی» نسبت به سایر مؤلفه‌ها، بیشترین شدت رابطه را با قلدری سایبری به میزان ۰/۳۹، نشان داد. هم چنین اعتیاد به فضای مجازی، به میزان ۰/۳۱ با قربانی شدن قلدری سایبری در ارتباط است. به عبارتی هرچه بر میزان اعتیاد به فضای مجازی افزوده گردد، میزان قربانی شدن در فضای مجازی نیز افزایش می یابد.

جدول ۴. آزمون ضریب همبستگی بین اعتیاد به فضای مجازی و قلدری سایبری به همراه مولفه‌های کدام

متغیرها	مقدار ضریب اسپیرمن	سطح معناداری
اعتیاد به فضای مجازی	۰/۳۷	۰/۰۰
عملکرد فردی	۰/۳۹	۰/۰۰
مدیریت زمان	۰/۲۸	۰/۰۰
خود کنترلی	۰/۲۳	۰/۰۰
روابط اجتماعی	۰/۲۹	۰/۰۰
عامل قلدری سایبری	۰/۲۷	۰/۰۰
اعتیاد به فضای مجازی	۰/۳۱	۰/۰۰
قربانی قلدری سایبری		

فرضیه دوم: بین اعتیاد به فضای مجازی و بی‌موبایل‌هراسی (نوموفوبیا) رابطه وجود دارد. طبق ارقام جدول شماره ۵ اعتیاد به فضای مجازی به میزان تقریباً قوی ۰/۵۲ با یکدیگر در ارتباط بوده و با توجه به سطح معناداری آزمون پیرسون ($Sig < 0/05$)، این رابطه در جامعه آماری معنادار می‌باشد. به عبارتی هرچه بر میزان اعتیاد به فضای مجازی افزوده گردد، میزان نوموفوبیا نیز در جامعه آماری بالاتر می‌رود. از میان مؤلفه‌های اعتیاد به فضای مجازی، «عملکرد فردی» بیشترین رابطه معنادار را با نوموفوبیا به میزان ۰/۴۹ دارا بود. هم‌چنین مؤلفه «از دست دادن راحتی و آسایش» با شدت رابطه ۰/۴۹ بیشترین رابطه را نسبت به سایر مؤلفه‌ها، با اعتیاد به فضای مجازی از خود نشان داد. رتبه بعدی را مؤلفه «ترس از دست دادن ارتباط» با رابطه‌ای به میزان ۰/۳۹ با اعتیاد به فضای مجازی داشت؛ و این یعنی هرچه اعتیاد به فضای مجازی افزایش می‌یابد ترس از دست دادن راحتی و آسایش و ترس از دست دادن ارتباط افزایش می‌یابد.

جدول ۵. آزمون ضریب همبستگی بین اعتیاد به فضای مجازی و بی‌موبایل‌هراسی و مولفه‌های آن

متغیرها	مقدار ضریب	سطح معناداری
اعتیاد به فضای مجازی	۰/۵۲	۰/۰۰
عملکرد فردی	۰/۴۹	۰/۰۰
مدیریت زمان	۰/۴۲	۰/۰۰
خودکنترلی	۰/۵۱	۰/۰۰
روابط اجتماعی	۰/۳۵	۰/۰۰
ترس از عدم توانایی برقراری ارتباط	۰/۳۷	۰/۰۰
بی‌موبایل‌هراسی	۰/۴۷	۰/۰۰
ترس از دست دادن ارتباط	۰/۳۹	۰/۰۰
ترس از عدم دسترسی به اطلاعات	۰/۴۹	۰/۰۰
ترس از دست دادن راحتی		

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از داده‌های فرضیه اول پژوهش نشان داد بین اعتیاد به فضای مجازی با قلدری سایبری به میزان ۰/۳۷ رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و از میان دو عامل یا خرده‌مقیاس قلدری سایبری، رابطه میزان اعتیاد به فضای مجازی با قربانی شدن بیشتر بوده است تا عامل قلدری شدن. مطالعات (Hinduja & Patchin., (2019), Saadipour., (2008), Heirman & Walrave, ; (2008), Patchin & Hinduja., (2007), Hammond (2007), Mesch & Rosen., (2007) Tamlud., (2006) Li., (2006)؛ در راستا و همسوی نتایج فرضیه نخست می‌باشد. در تبیین نتایج فرضیه اول، می‌توان گفت مطابق با نظریه استفاده و رضایت مندی کاتز (۱۹۵۹) کاربر یا مخاطب هر گاه احساس رضایت کند که رسانه‌ای نیازهای او را برآورده می‌سازد، رغبت بیشتری به استفاده از آن پیدا می‌کند. هر چه رضایت مندی بیشتر، مدت زمان بیشتری از حضور در فضای مجازی را می‌طلبد تا این که به مرز اعتیاد برسد. هم‌چنین طبق نظریه کنترل اجتماعی

هیرشی (۱۹۶۹) در جامعه ای که همبستگی در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و اعتقادات و باورهای موجود در جامعه دچار ضعیف شده باشد، فرد برای ارتکاب رفتارهای مجرمانه و یا بزهکارانه آزاد است. در این جامعه حرکت به سمت جرم دائماً در افراد وجود دارد، نه فقط افرادی که مرتکب جرم می شوند، بلکه در اغلب افراد گرایش به جرم ذاتاً وجود دارد. بر این اساس، ملاحظه می شود که در جامعه ی دارای کژی و انحراف رفتار و گسست همبستگی، بزهکار سایبری که معتاد به استفاده از فضای مجازی نیز شده است اجازه می یابد دست به قلدری بزند. (Hemmatpour et al., 2017).

در بررسی فرضیه دوم، یافته‌های پژوهش نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین اعتیاد به فضای مجازی و بی موبایل هراسی وجود دارد. مطالعات (Mousavi & Shafigh., Askari et al., 2018)، (Azadmanesh et al., 2017)، و (Sing et al 2013)، با نتایج فرضیه دوم همسو می باشد. در تبیین نتایج فرضیه دوم می توان گفت کاربران یا مخاطبانی که از احساس رضایت و خشنودی در استفاده از رسانه برخوردارند، رغبت بیشتری به استفاده از آن پیدا می کنند. هرچه رضایت مندی بیشتر، میزان حضور در فضای مجازی و به تبع آن میزان اعتیاد افزایش می یابد. (Mehdizadeh, 2015) لذا ترس از هر مانعی که او را از این لذت رسانه ای دور سازد، نگرانی زایدالوصف در او ایجاد می کند که اضطراب، تغییرات تنفسی، لرزش، تعریق، اضطراب، بی نظمی عملکرد قلبی از نتایج جسمانی آن است. یکی از این ترس ها امکان احتمالی در اختیار نداشتن تلفن همراه و یا امکان احتمالی هر گونه نقصی در کارکرد تلفن همراه می باشد. روان ناآرام ناشی از این استرس و اضطراب در نهایت منجر به بیماری بی موبایل هراسی می شود. نظریه اجتناب شناختی بر کوک و همکاران نیز، مؤید این تبیین است که علت ایجاد نگرانی، زنجیره ای از افکار و تصاویر منفی غیرقابل کنترل برای مشکل گشایی روانی در مورد موضوعات واقعی یا خیالی است. بنابراین نگرانی رابطه نزدیکی با فرآیند ترس دارد؛ ترسی که بر اجتناب و دوری از وقوع مشکلات آینده متمرکز است و در نتیجه به عنوان پاسخ به تهدیدهای احتمالی عمل می کند. (Kodayarifard et al., 2017)

نتایج کلی از فرضیه‌های تحقیق حاضر حاکی است :

۱- افزایش میزان اعتیاد به فضای مجازی، سلامت روانی و جسمانی فرد را به مخاطره می‌اندازد. با تهدید سلامت روانی فرد، او قادر نیست عنان ابعاد درونی و بیرونی هیجان خود؛ یعنی خلق و عاطفه را به دست گیرد و این یعنی عدم تعادل و توازن روانی؛ چرا که استفاده نامتعارف از تلفن همراه و فضای مجازی علاوه بر مشکلات فوق، می‌تواند عملکرد فردی کاربران را نیز مختل کند؛ چنان که عدم کنترل هیجانات درونی و بیرونی باعث می‌شود که با دگر آزاری، در خود ایجاد احساس شور و شعف و ارضاء نفس کنند و برای دگر آزاری در فضای مجازی عملاً وارد عرصه قلدری مجازی شود. آن چه که در فرآیند اختلال در عملکرد فردی گفته شد، بیشتر قربانیان مجازی را در بر می‌گیرد. (Hemmatpour et al., 2017).

۲- ترس و اضطراب ناشی از نداشتن تلفن همراه و یا عدم امکان برقراری تماس و یا اتصال به اینترنت از طریق موبایل، تا آنجایی فرد را در چنبره خود اسیر می‌نماید که حاضر است که حتی با احتمال خرابی گوشی تلفن، آن را هنگام استحمام نیز با خود به همراه ببرد. این نگرانی که ترس را در دل وی ایجاد می‌کند، راحتی و آسایش را از فرد می‌گیرد و او را در معرض ابتلا به بیماری نوپدید بی‌موبایل هراسی می‌کند. (Kodayarifard et al., 2017)

۳- وابستگی به تلفن همراه و اعتیاد اینترنتی و فضای مجازی مبتنی بر تلفن همراه، انسانها را به افرادی رها شده تبدیل می‌کند که بر ارتباطات فردی و اجتماعی اش تأثیر و بهره‌وری و بازده کاری کاربران پایین می‌آورد. آنان را نسبت به تعهدات فردی و اجتماعی شان به دلیل خمودگی و بی‌حالی، بی‌اعتنا می‌نماید و در نهایت کار به جایی می‌رسد که حتی در صورت کناره‌گیری از تلفن همراه و شبکه‌های مجازی، علائم اختلال در عملکرد در آن‌ها از بین نمی‌رود.

۴- نتایج تحقیق بر این نکته تأکید دارد که باید سواد رسانه‌ای آحاد جامعه (حتی در سطح مدیران) تا حد مطلوبی ارتقاء یابد تا بدانند از هر رسانه تا چه اندازه و مرزی باید استفاده نمود و چگونه قدرت مقابله‌ای خود را در برابر جذابیت‌ها و فریفتن‌های آن ارتقاء داده و به کارگیرد. جذابیت‌هایی که طراحان آن با علم به این مطلب که غالب بهره‌گیران از رنگ و لعاب هر روز پر رنگ‌تر تلفن همراه، جوانانی هستند که سرمایه‌های انسانی هر مملکتی هستند، تلاش می‌کنند تا هر بار با خلق یک قابلیت جدید و یا یک بازی پرهیجان، آن‌ها را به دنبال خود بکشند. به هر حال لزوم مقابله با حرکت صاحبان سرمایه مدار جهانی که فکری جز سودجویی در عرصه اقتصاد

ارتباطاتی و مسخ فرهنگی و فکری و تربیتی جامعه هدف خود ندارند، هوشیاری و بصیرت لحظه ای در برابر آنان است. لازمه این کار وظیفه شناسی نهادهایی مانند رسانه ملی و وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، فرهنگ و آموزش عالی، ارتباطات و فناوری و نیز فرهنگ و ارشاد اسلامی نهادهای فرهنگی-تبلیغی مانند دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه که همگی خود را داعیه دار فرهنگ سازی بر مبنای اصول علمی و اسلامی می‌دانند، می‌باشد. لذاست که باید به دور از تعصب سیاسی و آن گونه که رهبر کشور در بیانیه گام دوم انقلاب (بهمن ۱۳۹۷) بیان داشته اند با این معضل رفتار شود؛ آن جا که ایشان می‌فرمایند: "ما باید خود تمدن ساز شویم و عصر جدید عالم را زمینه سازی کنیم. این نمی‌شود و میسر نیست جز با معنویت و اخلاق: معنویت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکات و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند، برکات بیشتری به بار می‌آورد. هر چند ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره، وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیر حکومتی نیست". (Kamenei, 2019) نتایج پژوهش حاضر می‌تواند پیشنهادات ذیل را فراروی محققان آینده قرار دهد: -متخصصان علوم ارتباطات (ICT) و نیز فن‌آوری اطلاعات (IT) با حضور در برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی، کاربردهای رسانه‌های مختلف به ویژه تلفن همراه را به مخاطبان خود معرفی نمایند تا کاربران بدانند میزان و چگونگی استفاده از یک ابزار ارتباطی تا چه حدی مورد انتظار است. تا آرام آرام این امر تبدیل به یک فرهنگ عامه پذیر شود.

- برگزاری جلسات آموزشی از سوی مصادر امور فرهنگی به منظور آشنا نمودن و اطلاع رسانی به والدین در مورد فن‌آوری‌های جدید به ویژه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی؛ .
- برگزاری کلاس‌های آموزشی در مدارس و دانشگاهها جهت آگاهی دادن به نوجوانان و جوانان در مورد مزایا و معایب فن‌آوری‌های جدید و نحوه‌ی استفاده‌ی صحیح از آنها؛
- وضع قوانین سختگیرانه تر جهت برخورد با مجرمان جرایم اینترنتی و اجرایی نمودن این

قوانین

- آگاهی و هوشیاری بیشتر پلیس سایبری در مورد انواع جدید جرایم رایانه‌ای و اقدام در جهت نا کارآمد کردن دسیسه‌های دشمنان در این زمینه،
- گذراندن اوقات بیشتر والدین با فرزندان در فضای بیرون از خانه به طوری که فرزندان از نظر عاطفی، احساس خلأ نکنند و جهت جبران این کمبود به فضای مجازی پناه نبرند.
- پخش برنامه‌های کوتاه آموزشی درباره مزایا و معایب اینترنت از زبان ورزشکاران و هنرمندان محبوبی که عموماً جوانان آنها را الگوی خود قرار می‌دهند.
- طراحی و تدوین بخشی در کتاب‌های درسی در ارتباط با آشنایی دانش آموزان با فناوری‌های جدید، اینترنت و خطرات بالقوه آنها؛
- استفاده از آموزه‌های دینی از جمله امر به معروف و نهی از منکر به عنوان نوعی کنترل اجتماعی توسط هر شخص؛

در راستای هر تحقیق، قطعاً موانع و مشکلاتی خواسته و ناخواسته بروز می‌کند که در تحقیق حاضر نیز موارد ذیل محدودیت‌هایی را برای محقق ایجاد نموده است:
از محدودیت‌های تحقیق حاضر، می‌توان به عدم توانایی کنترل همه متغیرهای مؤثر در موقعیت پژوهش، محدود نمودن ابزار جمع‌آوری و اندازه‌گیری اطلاعات به پرسش‌نامه و احتمال تفاوت ادراکی آزمودنی‌ها از مفاهیم پرسش‌نامه و پاسخ‌دهی به آن اشاره نمود.

سپاس‌گزاری

از کلیه عزیزانی که در مراحل تحقیق و تدوین این رساله نقش بزرگی ایفاء نمودند؛ اعم از دانشجویان محترم و عوامل زحمتکش واحدهای دانشگاهی دانشگاه‌های آزاد اسلامی دارای رشته‌های علوم پزشکی در استان مازندران صمیمانه قدردانی می‌شود.

References

- Abedini, Y, Zamani .B.(2013). Investigating. the motivations, extent and type of mobile phone use among students. *Journal of Contemporary Psychology*, University of Isfahan.(in persian)
- Azadmanesh.H, Ahadi .H, onsheie ,GR.(2017). Developing and standardizing a No mobile phobia phone phobia questionnaire. *Educational Measurement Allameh-Tabataba'i University* Vol. 6, No. 23.(in persian)
- Castells, M.(1997). The Information Age: Economics, Society and Culture (Volume Three, End of the Millennium), *Translated by Ahad Aligholian and Afshin Khakbaz* (2010), Sixth Edition, Tehran: New Design, pp. 120 and 123.
- Dadgaran,M.(2005).The Basics of Mass Communication,Tehran,Morvarid Publications , p. 91. (in persian).
- Delawar, A., & Askari, S.(2016). Investigating the Components Affecting the Optimal Use of Cell Phone in Modifying Social Harm. *Journal of Research in Tenth Year Education Systems*, Thirty-Five Years, Winter 2016, pp. 7-35.(in persian).
- Delawar., A.,& Askari, S. (2016). Investigating the Effective Factors on Optimal Use of Cell Phone to Modify Social Damage. *Journal of Research in Educational Systems, Iranian Educational Research Association*, Tenth Year, No. 30 Fifth, Winter 2016. (in persian).
- Diomedous,M, Kostis,C, Adrianna M, Panagiotis Ks, Paraskevi Pu.,& John M. Social and Psychological Effects of the Internet Use.*Journal of Academy of Medical Sciences Bosnia and Herzegovina*. Published online(2016) Feb 2. doi: 10.5455/aim.2016.24.66-68.
- Gezgin, D,Mertkan;C.,&Ozlem,Yildirim,S.(2017).The Relationship between Levels of nomophobia Prevalence and Internet Addiction among High School Students: *The Factors Influencing Nomophobia*.
- Ghasemi, F., Hassanzadeh, R.(1977).Relationship between Social Networking Addiction with Students' Temporal Perspective and Mental Health. *Journal of Information and Communication Technology in Educational Sciences*, Ninth Year, Number One, 1977, Page 100-101.(in persian).
- Golparvar, Mohsen. (2017).Practical Assessment in Organizational Psychology, Introducing Scales and Questionnaires, Volume One, *Forest and Immortal Publications*. (in persian).
- Hammond, E. (2007)., No place to hide. journal/misc/ 11_03_07_FinancialTimes .php(accessed (2009) . ,http://www.davidbyrne.com
- Heirman, W. and Walrave, M. (2008). “Assessing concerns and issues about the mediation of technology in cyberbullying”, *Cyberpsychology: Journal of Psychosocial Research on Cyberspace*, No 2: 1_12.

- Hemmatpour, B., Mohseni, R.A., & Mazaheri, A.M. (1986). Identifying and Explaining the Sociological Violence Against Women in Cyberspace (Case Study: 20-45 year old women in Tehran). *Journal of Women in Humanities and Cultural Studies Institute Eighth Year*, No. 4, Winter 2016, pp. 105-131. (in persian).
- Hinduja, S. & Patchin, J. W. (2019). Connecting Adolescent Suicide to the Severity of Bullying and Cyberbullying. *Journal of School Violence*, 18(3), 333-346.
<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
- Khajeh Ahmadi, M., Puladi, S., & Bahraini, M. (2017). Design and Psychometric Evaluation of the Addiction Questionnaire on Mobile-Based Social Networks. *Journal of Psychiatric Nursing*, Volume 4, Number (4): 50-42. (in persian).
- Khodayari Fard, M., Mansouri, ., Besharat, M A., & Gholamali Lavasani, M. (2016). A Review of Theoretical Models for Anxiety and Generalized Anxiety Disorder, *Journal of Clinical Excellence, Educational and Research*, Volume 6, Number 2, Pp. 23-38. (in persian)
- Li, Q. (2006), "Cyber bullying in schools: a research of gender differences", *School Psychology International*, No 27: 157_170.
- Mehdizadeh, M. (2015). Media Theories of Common Thoughts and Critical Perspectives. *Hamshahri Publications*, Fourth Edition. (in persian).
- Mesch, G.S. Tammlud, I. (2007), "Similarity and the Quality of online and offline social relationships among sdolescents in Israel", *Journal of Research in Adolescent*, No 17: 455-465.
- Mousavi K, S., Shafiq, Y. (2018). Mobile Addiction in Teens in Tehran: A Sociological Study. *Iranian Journal of Sociology*, Volume 17, Issue 4, Winter 1396, pp. 164-139. (in persian).
- Patchin, W.J. (2019). Youth Sexting in the US: New Paper in Archives of Sexual Behavior. *Archives of Sexual Behavior The Official Publication of the International Academy of Sex Research*. www.cyberbullying.org/youth-sexting-archives-sexual-behavior.
- Rosen, L.D. (2007), Me, MySpace, and I: *Parenting the Net Generation*, London: Palgrave Macmillan.
- Saadipour, E. (2015). A Study of the Impact of Negative Aspects of Social Media and Online Relationships on Adolescent Students with a Focus on Cyberbullying. *Iranian Journal of Social Studies and Research*, Volume 1, Number 2; Winter 2, pp. 585-601.
- Sayya, S, Ghadami, A., & Azadi, F. (2018). Investigating the Psychometric Properties of the Nomophobia Questionnaire among Iranian Students, *Journal of Psychometrics*, Sixth Period, Issue 23, Winter 1396: 7-25. (in persian).
- Sharma, A. (2019). The Negative Effects of Internet Addiction in Children. Retrieved from <https://www.parentcircle.com/article/the-negative-effects-of-internet-addiction-in-children/>